

یزدشناسی

حسین مسرت

۱- استان یزد در یک نگاه

در دل ریگزاران کویر، استان یزد با پشتوانه‌ای از چندین هزار سال تاریخ‌نیشته و نانبشته جای گرفته است. دو پدیده طبیعی کویر و ریگ، عامل بازدارنده‌ای برای گسترش و پیشرفت یزد و افزونی فرآورده‌های کشاورزی بوده است. این دو عامل در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران بزرگ، سدّی بوده در برابر یورش‌ها و گزندهای سپاهیان بیگانه و این مهربانی را در حقّ یزد و مردم این دیار رواداشته که سالم‌ترین و کهن‌ترین بافت شهری سنتی را در بین دیگر شهرهای ایران داشته باشد و حتی به سنت‌های پسندیده اخلاقی و اجتماعی خود همچنان پایدار بماند.

شهری که اکنون در مرکز ایران به نام یزد چون نگینی درخشان خودنمایی می‌کند، به‌گواه کتاب‌های تاریخی، پیشتر نام‌هایی همچون: «کث»، «کته» و «ایساتیس» را داشته و دارای شهرهایی چون پهره (فهرج)، آرتاکاوا (اردکان)، تیس، زنگ (طنج)، مبد، اشک زال (اشکذر)، فرافر (هرفته)، مهرگرد (مهرجرد) بوده است. در فراز و فرود تاریخ ایران، سلسله‌های گوناگونی چون: آل کاکویه، اتابکان یزد، آل مظفر بر آن حاکم بوده، زمانی زیر سمّ ستوران

سپاهیان یزدگرد ساسانی و زمانی در بند اشرف افغان و دیرزمانی جایگاه تاخت و تاز فرمانروایان زند و قاجار بود.

دیار یزد به گواه کتاب‌های جغرافی و تاریخی همچون: مسالک و الممالک، صوره الارض (ابن حوقل)، حدود العالم و سفرنامه ابن بلخی، زمانی سرزمینی سرسبز، آباد، با نعمت فراوان و حتی سردسیر بوده است. مارکوپولو را می‌توان نخستین جهانگرد بیگانه دانست که پای بدین دیار نهاده است. وی یزد را شهری بزرگ با کارگاه‌های انبوه نساجی دیده و در گذر از یزد از جنگل میان یزد و کرمان گذشته است.

بی‌گمان پیش از او نیز جهانگردانی بدین وادی ره سپرده‌اند، اما نبشته‌ای از آنان در دسترس نیست. دیار یزد در طی دوران‌های گوناگون زمین‌شناسی از سرزمینی سبز و آباد به سرزمین خشک و غیر باروری تبدیل شد که آب به دشواری در آن یافت می‌شود. درختان سرو سرافراز و کهنسال در مسیر یزد به شیراز، همچون سرو چم، سرو فراشاه، سرو ابرکوه نشان از آن روزگاران دارد. نیز اهرستان بر سر راه یزد به شیراز دارای درختان انبوه اهر (زبان گنجشک) بوده است.

بنابر آمار سال ۱۳۸۱ مرکز آمار ایران، جمعیت شهر یزد سیصد و هشتاد هزار نفر و جمعیت استان یزد ششصد و نود و سه هزار نفر بوده است که از این تعداد چندین هزار زرتشتی و چندین خانوار یهودی را نیز شامل می‌شود. علی‌رغم مهاجرت زرتشتیان یزد به هند، استرالیا، کانادا و تهران، هنوز استان یزد جزء چند استانی است که تعداد زرتشتیان آن چشمگیر است. این گروه در اردکان، تفت، زارچ و یزد پراکنده‌اند و بناهای تاریخی زیادی منسوب به آنان در این شهرها وجود دارد. بنابر تقسیم‌بندی کنونی کشوری، استان یزد دارای نه شهرستان به

۱. یکی از معانی کت، آباد است

ترتیب زیر است: ابرکوه، اردکان، بافق، بهاباد، تفت، خاتم، صدوق، مهریز، میبد و یزد. پس از این پیش‌درآمد به وضعیّت کنونی استان یزد اشاره می‌شود:

آثار تاریخی

بافت تاریخی و کالبد شهر یزد، در گذر ایام کمتر آسیب دیده است. برجسته‌ترین بنای تاریخی شهر یزد، مسجد جامع کبیر است که بنابر پژوهش آندره گدار فرانسوی، گوشه شمال شرقی آن بقایای آتشکده‌ای ساسانی پیدا شده، اما تاریخ‌های موجود یزد، اشاره به ساخت‌وساز این بنا در سال‌های بین ۵۱۵-۵۰۵ق دارند. دیگر بناهای تاریخی و مشهور شهر یزد عبارتند از: باغ دولت‌آباد، مسجد امیرچخماق، مدرسه ضیائیه (زندان اسکندر)، تکیه امیرچخماق، مدرسه رکنیه، مدرسه سید شمس‌الدین، مسجد ریگ، میدان و بازار خان، مصلی عتیق، مسجد ملا اسماعیل و آتشکده زرتشتیان.

بناهای شاخص تاریخی استان یزد عبارتند از: نارین قلعه میبد، حسینیه و بقعه شاه‌ولی تفت، بقعه شیخ علی بنیمان بیداخوید، مسجد جامع بافق، مسجد جامع اردکان، تپه قاضی میرجعفر بافق، تپه کسنویه، چشمه غربال‌بیز، مسجد زردک اردکان، گنبد عالی ابرکوه، قدمگاه فراشاه، منارجنبان و مسجد جامع خراتق، مسجد جامع ندوشن، پیر نارکی، قلعه مروست، مسجد جامع فهرج و مجموعه سلطان محمود بندرآباد.

صنایع

هر جهانگردی که پیش به این دیار باز شده، در نخستین نگاه، صنایع بافندگی یزد را دیده و انبوه کارگاه‌های شعربافی که با بافتن پارچه‌های ابریشمی، مستریزه و غیره مشغول هستند، ترمه، دیگر صنعت مشهور دستباف یزد است، دیگر صنایع دستی استان عبارتند از: زرگری، مسگری، گیوه‌بافی، تیماج و چرم‌سازی، چاقوسازی و حصیربافی.

در حال حاضر، استان یزد به واسطه خشکی هوا که زمینه مساعدی برای نگهداری کالا و مواد را در زمان زیاد فراهم می‌کند، صنایع بسیاری را در خود جای داده است. انبوه کارخانه‌های نساجی (پارچه، پتو و فرش) و صنایع مهم سازنده رادیو، خودرو، لامپ، کاشی، لاستیک، مداد، عینک، میخ، پیچ و مفتول گواهی بر صنعتی شدن این دیار در ظرف چند دهه اخیر است.

مشاهیر

هر دیاری در ایران به داشتن بزرگان و اندیشه‌ورانی می‌بالد که نام آن دیار را بلندآوازه کرده‌اند، به همین سان است دیار «ریشه‌دار پرشکيب یزد» که در گروه شاعران خود می‌تواند به وجود: جلال عضد، مجد همگر، غیاث نقشبند، طراز، جیحون، قضایی، حجاب، فرخی، ناصر، وحشی بافقی و قاضی میرحسین میبیدی افتخار کند و در گروه نویسندگان به افراد فرزانه و فرهیخته‌ای چون: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر اصغر خبره‌زاده، دکتر سیدضیاءالدین دهشیری، عبدالحسین آیتی، شرف‌الدین علی یزدی و در گروه دانشمندان به نام‌هایی چون: ملامحمدباقر یزدی، سیدرکن‌الدین حسینی، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، نازان باشد.

دیار یزد از دیرباز مهد فرهنگ و اندیشه بوده است. بگذریم از اینکه به دلیل دوری از پایتخت‌ها و مراکز قدرت، کمتر در کتاب‌ها و نوشته‌های قدیمی نامی از آن است. اما در دوران یورش سپاه خونریز چنگیز که شمار فراوانی از دانشمندان ایران از ترس مغولان کاشانه و دیار خود را رها کرده و بدین دیار پناه آورده بودند، مدارس فراوانی بنیان گشت؛ تا بدان‌جا که در دوره‌ای از تاریخ یزد را نیز «دارالعلم» می‌خواندند. مدارس چون: کمالیه، گیائیه، شمسیه، رکنیه، مظفریه میبید و ده‌ها مدرسه دیگر گواهی بر وجود مرکزیت علمی یزد در قرن‌های هفت و هشت هجری است.

اکنون نیز به واسطه داشتن مراکز آموزش عالی از سطح کاردانی تا دکتری، به گونه یک قطب بزرگی علمی و فرهنگی ایران درآمده است. مراکز مهم آن به قرار زیر است: دانشگاه یزد (با چندین مجتمع، دانشکده، چندین هزار دانشجو)، دانشگاه علوم پزشکی (با مراکز چندگانه زیرپوشش)، دانشگاه پیام نور (اردکان، بافق، تفت، مهریز، میبد، صدوق...)، دانشگاه جامع تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی (یزد، بافق، میبد، اردکان، ابرکوه، تفت و...) مراکز چندگانه تربیت معلم اردکان و یزد، دانشگاه حایری میبد، آموزشکده فنی، دانشکده معماری وزارت مسکن، مرکز مدیریت دولتی، دانشکده فرش اردکان، دانشگاه علمی کاربردی و

چند کتابخانه بزرگ و پررونق نیز در این دیار به بالابردن سطح دانش و فرهنگ دانشجویان و مردم یزد یاری می‌رسانند: کتابخانه وزیری با ۲۴۵ هزار جلد کتاب چاپی و خطی، کتابخانه دانشگاه یزد با ۱۲۰ هزار جلد کتاب و کتابخانه‌های غدیر (دستمالچی)، مروّج، فرّخی یزدی، شرف‌الدین علی، مجتمع امام علی (ع)، دانشگاه پیام نور تفت، اردکان، فاضل‌اردکانی و چند کتابخانه معتبر دانشگاهی دیگر مانند دانشگاه علوم پزشکی و پیراپزشکی. بی‌گمان دیار کهن یزد را نمی‌توان با این چند سطر شناساند، اما حوصله این مقال نیز بیش از این گنجایش ندارد.